



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۴۲۷۱

شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸



دانشگاه شهید چمران اهواز

اثرات رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر شادکامی در کشورهای منتخب (رویکرد گشتاور تعمیم یافته)

سجاد فرجی دیزجی ^{1b}، فاطمه ضیغمی دهقانی ^{2*} و حسین صادقی سقدل ^{3**}

* دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)

** کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی، گروه اقتصاد، دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

*** دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL: D60, I30, N60
تاریخ دریافت: ۲۲ شهریور ۱۳۹۸	واژگان کلیدی:
تاریخ بازنگری: ۱۳ آذر ۱۳۹۸	شادکامی، رانت منابع طبیعی، حکمرانی خوب، روش گشتاور
تاریخ پذیرش: ۶ تیر ۱۳۹۹	تعمیم یافته
ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:	آدرس پستی:
ایمیل: s_dizaji@modares.ac.ir	تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد، اتاق ۳۳۱.
^{1b} 0000-0001-8413-4580	

قدردانی: از داوران محترم بابت پیشنهادات ارزنده شان در بهبود این مقاله تشکر می‌کنیم.
تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منفعی وجود ندارد.
منابع مالی: نویسنده‌ها هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی اثرات رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر شاخص شادکامی در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی می‌پردازد. آزمون اثر تعاملی حکمرانی خوب و رانت منابع طبیعی بر سطح شادکامی کشورهای منتخب منکی به درآمد منابع طبیعی، مسئله محوری این پژوهش است که در مطالعات قبلی به آن پرداخته نشده است. اثر تعاملی رانت منابع طبیعی و شاخص حکمرانی خوب بر شادکامی در ۶۶ کشور دارای رانت منابع طبیعی بالای ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۸ با استفاده از داده‌های تابلویی و به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) برآورد شده است. برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن استفاده از این روش برای برآورد الگو، دو آزمون برای بررسی اعتبار و صحت متغیرهای ابزاری به کار رفته مطرح است. بر اساس نتایج حاصل از برآورد الگوها، رانت منابع طبیعی دارای اثر منفی و معنادار و حکمرانی خوب دارای اثر مثبت و معنادار بر شادکامی است. علاوه بر آن اثر تعاملی رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر شادکامی، منفی و معنادار است. علامت منفی ضریب تعاملی رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر روی شاخص شادکامی اشاره بر آن دارد که اتکا بر رانت‌های منابع طبیعی منجر به تضعیف آثار مثبت حکمرانی خوب بر روی شادکامی می‌گردد.

ارجاع به مقاله:

فرجی دیزجی، سجاد،، ضیغمی دهاقانی، فاطمه و صادقی سقدل، حسین. (۱۴۰۲). اثرات رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر شادکامی در کشورهای منتخب (رویکرد گشتاور تعمیم یافته). فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۲۰(۲)، ۳۱-۱.



10.22055/JQE.2020.31073.2146



© 2023 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

۱- مقدمه

بشر از دیر باز به دنبال این بوده است که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند و چه اسبابی بیشتر موجبات جلب رضایتش را فراهم می‌کند. این در حالی است که فشارهای مختلفی که در زندگی معمول انسان امروز از قبیل فشارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، روان‌شناختی و جمعیتی وجود دارد، همگی باعث تجربه کاهش رضایت و شادکامی افراد در زندگی روزمره می‌شود. بدین طریق برای بسیاری از مردم، شادکامی به صورت ناامید کننده‌ای دور از دسترس باقی مانده است. شادکامی از یک سو متأثر از ساختارهای متعدد جامعه بوده و از سوی دیگر تأثیر گذار بر فرایند توسعه و تعالی جامعه است، مبحث شادکامی و عوامل مؤثر بر آن در دهه‌های اخیر مورد توجه حوزه‌های مختلف پژوهشی نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد بوده است (Dehqani, Akbarzadeh, Khoshfar & Rabbani, 2011).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که از لحاظ میزان متوسط شادکامی بین کشورهای فقیر و غنی تفاوت قابل توجهی وجود دارد، شاید به این علت که کشورهای غنی‌تر از لحاظ آموزش، دارو، اوقات فراغت، امنیت و غیره تسهیلات عمومی بهتری دارند (Argyle, 2005). از این رو ممکن است تأثیر مستقیم ثروت، تنها عامل تعیین کننده نباشد. در حقیقت، رابطه بین ثروت ملی و شادکامی می‌تواند تا حدی متأثر از سایر منافع از قبیل کیفیت بالای دموکراسی و حقوق انسانی و نیز برخورداری از سیستم درمانی پیشرفته‌تر باشد که افراد ملل ثروتمند از آن برخوردارند (Suh & Oishi, 2002 ; Eddington & Shuman, 2004).

از دیدگاه اقتصاد سیاسی، ثروت منابع طبیعی باعث تضاد بین ذینفعان همچون سیاستمداران، قبایل محلی و شهروندان می‌شود. ذینفعان در دنبال نمودن رانت‌های غیر منصفانه منابع طبیعی تحریک می‌شوند. به عنوان مثال، کشور نیجریه با وجود منابع عظیم به شدت دچار بی‌ثباتی سیاسی، فقر، بیکاری حاد جوانان و نرخ بالای جرم و جنایت است (Ogundiya, 2010). جنگ‌های داخلی در آنگولا و جمهوری دموکراتیک کنگو با منابع معدنی فراوان از این استدلال حمایت می‌کند که کشورهای غنی از منابع طبیعی بیشتر در معرض ابتلا به جنگ نسبت به همانند فقیر خود (به لحاظ منابع طبیعی) قرار دارند (Carbonnier, Wagner & Brugger, 2011).

در چنين مواردی است که حکمرانی دولت، در برقراری ارتباط بين برخورداري از منابع و رونق و رفاه اقتصادي نقش بسيار کلیدی پيدا می‌کند که خود می‌تواند ميزان رضایت خاطر و سطح شادکامي افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. فراواني منابع می‌بايد برای هر اقتصادي که در آن دولت، منابع را به منظور حداکثر سازی درآمد بلند مدت برنامه‌ريزي و مدیریت می‌کند و آن‌ها را به طور کامل استفاده می‌نماید دارای مزیت باشد. برعکس اگر درآمدها به طور غير يکنواختی توزیع گردند، تمایل به استخراج بیش از حد منابع باقی مانده و فراواني، ممکن است به رشد اقتصادي و در نتیجه رفاه و شادکامي منتج نگردد (Leamer, Maul, Rodrigues & Schott, 1999).

بنابراین پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی اثر درآمد منابع طبيعي در حضور حکمرانی خوب بر شادکامي بپردازد تا مشخص گردد که آیا برخورداري همزمان از رانت‌هاي منابع طبيعي و وجود حکمرانی خوب منجر به تقویت سطح شادکامي می‌گردد یا تضعیف آن؟ جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق از ۶۶ کشور دارای رانت منابع طبيعي بالای ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی که داده‌هاي شادکامي برای آن‌ها و طی سالهاي ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ وجود دارد، تشکیل شده است. جهت تجزیه و تحلیل نتایج از رویکرد اقتصاد سنجی و روش گشتاورهاي تعميم یافته در قالب نرم افزار استتا ۱۴ استفاده خواهیم کرد. کشورهای مورد مطالعه عبارتند از: الجزيره، آنگولا، استراليا، آذربايجان، بحرين، بنين، بولیوی، بورکينا فاسو، بروندي، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، شیلی، کلمبیا، کامرون، جمهوری دموکراتیک کنگو، کنگو، اکوادور، مصر، اتیوپی، گابن، غنا، گینه، اندونزی، ایران، عراق، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لیبی، لیبیریا، ماداگاسکار، مالاوی، مالزی، مالی، موریتانی، موزامبیک، مکزیک، مغولستان، میانمار، نیجر، نیجریه، نروژ، عمان، پرو، قطر، روسیه، رواندا، عربستان، سیرالئون، آفریقای جنوبي، سودان، سورینام، تانزانیا، توگو، ترینیداد و توباگو، تونس، ترکمنستان، اوگاندا، اوکراین، امارات متحده عربي، ازبکستان، ونزوئلا، ویتنام، یمن، زامبیا و زیمبابوه.

بخش دوم مقاله به مبانی نظری پژوهش خواهد پرداخت. پیشینه پژوهش در بخش سوم مقاله گنجانده شده است، بخش چهارم به معرفی روش پژوهش و تخمین نتایج می‌پردازد. در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات در بخش پنجم ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- شادکامی

مطالعه شادکامی و عوامل مؤثر بر آن در سالهای اخیر توجه بیشتری را از جانب اقتصاد دانان به خود معطوف کرده است. مطمئناً، فعالیت‌های اقتصادی به تنهایی غایت و هدف بشر نیستند و تا زمانی ارزشمند است که به شادکامی کمک کنند. اقتصاددانان اولیه و فلاسفه از ارسطو گرفته تا بنتام فیلسوف انگلیسی و اسمیت هر کدام به طریقی مطالعه شادکامی را در تحقیقاتشان ثبت کرده‌اند (Eskandari, 2013). اکثر افراد همانند ارسطو، ثروت را یکی از عناصر ضروری شادی می‌دانند (Aristotle, 1979) و بر این باورند که افراد با درآمد بالا، بیش از افراد با درآمد پایین شاد هستند، اما این رابطه به آن اندازه که تصور می‌شود واضح نیست (Eysenck, 1996). نکته‌ای که در همه تحقیقات نشان داده شده است این است که میزان معینی از پول، شرط لازم ولی ناکافی برای شادی است (Kesebir & Diener, 2008).

ورود تحلیل‌های شادکامی به مباحث اقتصادی را می‌توان به ریچارد استرلین^۱ در سال ۱۹۷۴ نسبت داد. در مطالعه داده‌های آمریکا استرلین اولین کسی بود که متوجه شد اگر چه در داده‌های مقطع زمانی، افراد ثروتمندتر، شادتر هستند اما در یک سری زمانی، رشد اقتصادی همراه با افزایش در شادی کل نیست. این ناسازگاری پارادوکس استرلین نام گرفته است (Rousseau, 2009).

یکی از معروف‌ترین توضیحات ارائه شده درباره پارادوکس استرلین این است که شادکامی افراد به جایگاه نسبی درآمد افراد در جامعه بستگی دارد. به عبارت دیگر، شادکامی، علاوه بر سطح مصرف حاصل از درآمد، به جایگاه نسبی فرد نسبت به سایر افراد اجتماع وابسته است (Easterlin, 1974, 1995; Di Tella & Ma Culloch, 2006; Clark, 2008). هر فردی به تدریج به هر چیزی، از جمله به سطح زندگی بالاتر عادت خواهد کرد. همراه با افزایش درآمد، نیازها و تقاضاهای ادراکی هم مطابق با آن افزایش می‌یابد (Easterlin, 2003). بدین طریق، می‌توان گفت ثروت مانند سلامت است، فقدان آن بدبختی و نبود شادکامی به شمار می‌رود، ولی داشتن آن هیچ گونه ضمانتی برای شادکامی به همراه ندارد (Koromi Nori, 2002).

¹ Easterlin

شبکه راه‌حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل^۲ با حمایت بان‌کی‌مون^۳، دبیرکل سازمان ملل، توسط پژوهشگران تعدادی از مؤسسات تحقیقاتی در آمریکا، کانادا و بریتانیا و کارشناسان این سازمان اقدام به تهیه و انتشار گزارش‌های جهانی در خصوص شادکامی کرده است (گزارش شادکامی جهانی)^۴. رده‌بندی کشورها در معیار شبکه راه‌حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل متحد، بر مبنای گزارش خود افراد از شادی ادراک‌شده از سوی آنان و به دو شکل صورت می‌پذیرد: اول به صورت یک احساس "آیا دیروز شاد بوده‌اید؟" و دوم، به صورت یک ارزیابی "آیا به‌طور کلی، در زندگی خود شاد هستید؟" درک احساس و ارزیابی هر فرد از وضعیت زندگی خود که معرف شادی است در قالب نردبان کانتریل^۵ صورت می‌پذیرد. به این مفهوم که از افراد خواسته می‌شود نخست "یک نردبان متشکل از ده پله را تصور کنند به نحوی که پله صفر معرف بدترین زندگی ممکن و ده معرف بهترین آن است، با توجه به پاسخ دو سؤال بالا، مسأله این است که در حال حاضر فرد در کدام پله ایستاده و موقعیت فعلی خود را چگونه ارزیابی می‌کند؟" سپس شش متغیر اصلی مؤثر در اندازه‌گیری میزان شادکامی تعریف می‌شود: میزان درآمد، امید به زندگی سالم، برخورداری از حمایت اجتماعی، فعالیت‌های خیرخواهانه، آزادی انتخاب زندگی و عدم وجود فساد که به توضیح تفاوت‌های نردبان از کشوری به کشور دیگر کمک می‌کند.

مطابق دیدگاه می (۲۰۰۷) عوامل بسیاری شادکامی و رفاه ذهنی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شادکامی و رفاه ذهنی افراد حاصل برآیند اثرات تمامی عوامل مؤثر بر زندگی فرد، اعم از فاکتورهای شخصی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و ... است. این پژوهش به چگونگی اثرگذاری تعدادی از متغیرهای اقتصادی-سیاسی و بطور مشخص رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر شادکامی می‌پردازد (May, 2007).

² Sustainable Development Solutions Network

³ Ban Ki-moon

⁴ World happiness report

⁵ Cantril

۲-۲- حکمرانی خوب

از جمله شاخص‌های نهادی که عموماً شرایط کلی حاکم بر جامعه را مشخص می‌نماید شاخص نهادی حکمرانی است. در همین راستا از میانگین شاخص‌های شش گانه حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه می‌گردد استفاده می‌شود. این شش شاخص عبارتند از:

- حق اظهار نظر و پاسخگویی: بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه که بر مردم تأثیر می‌گذارد مورد سوال و بازخواست قرار دهند.
- ثبات سیاسی و عدم خشونت: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی می‌پردازد.
- کارایی و اثربخشی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد.
- بار مالی مقررات: بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی.
- حاکمیت قانون: میزان احترام عملی که دولت‌مردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.
- کنترل فساد: استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی (Komejani, 2009).

بر طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)؛ بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین در برگزیده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن

علايق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند (Kaufman & Kraay, 2007).

در میان نهادهای فعال در یک کشور، موقعیت نهاد دولت بسیار برجسته و حائز اهمیت است. حکمرانی خوب نیز به معنای تدارک موفقیت آمیز نهادها توسط دولت، جهت تنظیم روابط اقتصادی آحاد جامعه به شیوه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت است که به عنوان دست یاری دهنده بازار، موجب رشد اقتصادی می‌شود که در ادامه رفاه و شادکامی را به همراه دارد (Mehrra & Asadian, 2009; Dizaji, 2012).

هیدی و ویرینگ^۶ (۱۹۹۲) در مطالعه‌ای دریافتند که مردم تأثیر دولت بر شادکامی را نسبت به سایر عوامل کمتر می‌دانند، چنین باورهایی قابل فهم است زیرا مردم در ابتدا با اختلافات فردی خوشبختی در کشورهای خود روبرو هستند مانند تفاوت در درآمد، تحصیلات، جنسیت، روابط اجتماعی و ... چنین اختلافاتی با شرایط مشترک و شرایط جمعی ارتباطی ندارد در حالی که اگر مردم با تفاوت کشورها در میانگین و کیفیت شادکامی آشنا شوند نگاه مردم به دولت متفاوت می‌شود. مثال در سال ۲۰۰۶ میانگین شادی در توگو ۳/۳۴ در صورتی که در دانمارک ۸ است. چنین تفاوت‌هایی به دلیل عوامل سازمانی مانند توسعه اقتصادی و آزادی سیاسی است که دولت می‌تواند در آن نقش داشته باشد (Ott, 2005).

۲-۳- رانت منابع طبیعی

ارزش منابع طبیعی استخراج شده، عموماً به صورت رانت واحد محاسبه می‌شود که برابر با قیمت تولید منهای هزینه نهایی استخراج آخرین واحد ضرب در میزان استخراج منابع (P-Q)*MC است. رانت انرژی عبارت است از: رانت نفت، گاز و زغال سنگ در حالی که رانت مواد معدنی شامل: رانت بوکسیت، مس، آهن، نیکل، طلا، نقره، قلع، روی، سرب و سنگ فسفات است. در بیشتر مطالعات انجام شده برای فراوانی منابع طبیعی از معیار سهم یا درصد صادرات مواد اولیه به کل صادرات استفاده شده است (Sachs & Warner, 1995; Busse & Groning, 2011; Bhattacharyya & Hodler, 2008).

اما لزوماً ممکن است سهم یا درصد صادرات، بهترین معیار برای کاهش شادکامی که منابع ایجاد می‌کنند، نباشد چرا که این معیار بیشتر بیانگر وابستگی کشورها به منابع

⁶ Headey & Wearing

است تا فراوانی آنها و دوم، به منظور قضاوت درباره ظرفیت‌های کشورها، رانت‌های ایجاد شده نسبت به صادرات معیار جامع‌تری از اهمیت اقتصادی منابع طبیعی را ارائه می‌دهد (Fallahi et al., 2014). بنابراین در این مطالعه از متغیر کل رانت منابع طبیعی که مجموع رانت نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، منابع معدنی و جنگل استفاده می‌شود که به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است که تقریباً نامرتب با ساختار صادرات می‌شود. آمار مربوطه از مجموعه داده‌های بانک جهانی اخذ می‌شوند.

افزایش حمایت‌های دولت از استخراج منابع می‌تواند فعالیت‌های رانت‌جویی و فساد بین جمعیت را بدتر کند؛ به طوری که کارآفرینان تلاش خواهند کرد به جای تمرکز مستقیم بر فعالیت‌های تولیدی، رانت‌های مربوط به منابع طبیعی از جمله سهمیه‌ها، پروانه‌ها و امتیازات را به دست آورند، و از همین رو، رقابت سخت پدید آمده برای کسب رانت‌های منابع طبیعی، فرصت‌های فراوانی برای فساد سیاسی و اقتصادی به وجود می‌آورد. همچنین دولت با درآمدهای هنگفت ناشی از فروش منابع می‌تواند اقدام به تقویت نیروهای امنیتی و نظامی وابسته به خود نموده و مانع تشکیل گروه‌های مستقل سیاسی گردد که خواهان برخورداری از حقوق سیاسی و اجتماعی هستند (Ross, 2001; Dizaji, 2014, 2019).

در مجموع، در نتیجه مکانیزم‌های مختلف، کیفیت محیط نهادی و حکمرانی ممکن است در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان در مقایسه با کشورهای فاقد منابع طبیعی، پایین‌تر باشد. کشورهای متکی به درآمدهای رانتی به دلیل عدم اتکا به مردم به دلیل وجود درآمدهای باد آورده و عدم دریافت مالیات از مردم، در معرض پاسخگویی کمتر، شفافیت کمتر، فساد فزاینده، قوانین دارای بار مالی زیاد و غیره می‌باشند که موجب کاهش رضایت و شادکامی مردم می‌شوند (Moeinifard & Mehrara, 2015).

۲-۴- اثر تعاملی منابع طبیعی و شاخص نهادی حکمرانی

بر اساس مبانی نظری علم اقتصاد، رشد تولید از دو طریق افزایش در عوامل تولید و استفاده بهتر از عوامل تولید، قابل دستیابی است. بنابراین، کشورهایی که افزون بر نیروی کار و سرمایه از نهادهایی به نام منابع طبیعی نیز برخوردارند، باید نرخ رشد بالاتری را تجربه کنند. به گونه‌ای که برخی از مطالعات و از جمله براوو^۷ و همکاران (۲۰۰۵) منابع طبیعی را به

⁷ Bravo

عنوان موتور رشد اقتصادی معرفی کرده‌اند. لیکن مطالعات آماری و در رأس آن‌ها ساچز و وارنر^۸ (۲۰۰۱ و ۱۹۹۵) نشان می‌دهند که منافع مورد انتظار از منابع طبیعی در همه کشورهای برخوردار تأمین نشده است. لکن بایستی توجه داشت که تناقض بین وفور منابع و عملکرد اقتصادی که تحت عنوان نفرین منابع^۹ از آن یاد می‌شود، در همه کشورهای دارنده منابع عمومیت ندارد. پس شاید نتوان فراوانی منابع را عامل بازدارنده رشد اقتصادی در کشورهای ناموفق ذکر کرد (Toorani galosalar, 2017).

از مهمترین دلایل بروز پدیده نفرین منابع حجم عظیم رانت ناشی از منابع طبیعی است که در ارتباط با حقوق مالکیت غیر کارآمد، بازارهای ناقص و ساختارهای قانونی سست در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای غیر بازاری به رانت‌جویی لجام گسیخته در میان تولید کنندگان منجر شده و این انحراف سبب می‌شود تا منابع طبیعی از ایفای نقش مثمر ثمر اجتماعی و رونق فعالیت اقتصادی بکاهد (Auty, 2017). رانت‌جویی گسترده با ایجاد فساد در دولت و کسب و کار مردم و با انحراف در تخصیص منابع، کارایی فعالیت‌های اقتصادی را کاهش، نابرابری‌های اجتماعی را افزایش و رشد اقتصادی، رفاه و شادکامی را تخریب می‌کند (Mauro, 1995; Dizaji, 2016). همچنین نقش نهادها در تبیین نفرین منابع در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه واقع شده است. علت این توجه نیز به موفقیت برخی از کشورهای دارای منابع و شکست برخی دیگر بر می‌گردد. به گونه‌ای که در سال‌های اخیر سؤال «چرا برخی از کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، موفق و برخی دیگر ناموفق شده‌اند؟» جایگزین سؤال قبل مبنی بر «آیا نفرین منابع وجود دارد یا نه؟» شده است (Torvik, 2009). تفاوت عملکرد بین کشورهای غنی از منابع طبیعی توسط دو رویکرد بیان می‌گردد، دسته اول بر بحث رانت‌جویی متمرکز است و تصمیمات و فعالیت‌های اشخاص غیر از نخبگان سیاسی را در کانون توجه قرار داده و بیان می‌دارد که آحاد یک جامعه باید بین تخصیص نیرو به فعالیت‌های مولد یا رانت‌جویانه تصمیم‌گیری کنند. در مقابل دسته دوم بر بحث حاکمیت تأکید کرده و بر محوریت تصمیمات سیاستمداران حاکم در کشورهای غنی از منابع تمرکز دارد. در اینجا سیاستمداران مخیر بین تخصیص منابع به فعالیت‌های مولد یا رانت‌جویانه هستند (Kolstad & Wiig, 2009).

⁸ Sachs & Warner

⁹ Resource Curse

مطالعه حاضر با استفاده از متغیر اثر تعاملی رانت منابع طبیعی و شاخص حکمرانی که به صورت حاصل ضرب فراوانی منابع طبیعی در میانگین حسابی شاخص‌های حکمرانی تعریف می‌شود، نقش نهادی را در استفاده از منابع طبیعی و تأثیر آن بر شادکامی در کشورهای دارای رانت منابع طبیعی بررسی می‌نماید. به طور متوسط کشورهای دارای منابع فراوان رشد آهسته‌تر و رفاه محدودتری را نسبت به کشورهایی که از جهت منابع فقیرند تجربه کرده‌اند ولی تجربه برخی کشورها همچون نروژ نیز خلاف این ادعا را نشان داده‌اند. بنابراین آنچه مهم است ترتیب‌ها و نهادهای اداری یک جامعه است که نتیجه نهایی را تعیین می‌کند. به نظر می‌رسد درآمدهای نفتی و منابع طبیعی در صورتی محرک رشد و رفاه و شادکامی می‌باشند که اثرات متضاد غیر مستقیم آن کنترل شود. اقتصادی که دارای درآمد منابع طبیعی است و از فساد مالی بالا، سرمایه‌گذاری پایین، رابطه مبادله‌ی پایین و استانداردهای آموزشی پایین رنج می‌برد، احتمالاً از ثروت منابع خود در راستای بهبود شرایط زندگی افراد جامعه‌اش سودی نخواهد برد (Ebrahimi, & Salarian, 2009).

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- مطالعات خارجی

بالت و همکاران (۲۰۰۳) رابطه بین فراوانی منابع و چندین شاخصه رفاه انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهند. مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که کشورهای دارای منابع فراوان از سطوح پایین توسعه انسانی رنج می‌برند. در حالی که آن‌ها نتوانسته‌اند رابطه‌ای مستقیم میان منابع و رفاه بیابند، اما بحث می‌کنند که یک رابطه مستقیم بین منابع و کیفیت نهادی وجود دارد که تفاوت‌های مهم اثرات منابع از تفاوت‌های کیفیت نهادی متفاوت منتج می‌شود (Bulte, Damania & Deacon, 2003).

هلیول و هوانگ (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای قوی بین حکمرانی خوب و رضایت از زندگی در کشورها وجود دارد. آن‌ها دریافتند که کیفیت فنی حکمرانی (کارایی و اثر بخشی دولت، بار مالی مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بیش از کیفیت دموکراتیک (حق اظهارنظر و پاسخگویی و ثبات سیاسی و عدم خشونت) با خوشبختی ارتباط دارد و هر دو نوع کیفیت نیز با خوشبختی رابطه دارند. ضمن آن که قبل از دارا بودن کیفیت دموکراتیک، حکومت‌ها باید حداقل کیفیت فنی حکمرانی را برآورده سازند (Helliwell & Huang, 2008).

اوت (۲۰۱۰) در مقاله‌ای نقش کیفیت حکومتمداری به ویژه نقش فنی را در مقایسه با کیفیت دموکراتیک در ارتباط با شادی بررسی می‌کند. با مقایسه ۱۲۷ کشور در سال ۲۰۰۶ وی همبستگی قوی بین کیفیت حکومت و متوسط شادی شهروندان را نشان می‌دهد. کیفیت فنی با خوشبختی در کشورهای ثروتمند و فقیر همراه است در حالی که کیفیت دموکراسی تنها با شادی در کشورهای ثروتمند همراه است. همچنین کیفیت حکومت بیشتر از اندازه دولت در میزان شادی تأثیر دارد. رابطه بین کیفیت حکومت و شادی مستقل از اندازه دولت بوده، در حالی که رابطه بین اندازه دولت و شادی به طور کامل به کیفیت حکومت بستگی دارد (Ott, 2010).

اوت (۲۰۱۱) در پژوهشی میزان تفاوت در شادی در کشورهای مختلف را به تفاوت در کیفیت حکومت و به ویژه کیفیت فنی ربط می‌دهد. حکومتمداری خوب نه تنها سطح بالاتری از شادی را تولید می‌کند، بلکه موجب کاهش نابرابری شادی در میان شهروندان می‌شود. ارتباط بین حاکمیت خوب و نابرابری شادی خطی نیست، بلکه به صورت U معکوس است، بالاترین نابرابری شادی در ملت‌هایی است که کیفیت دولت در سطح متوسط است. همچنین رابطه بین اندازه دولت و میانگین شادی بستگی به شدت کیفیت دولت دارد، دولت بزرگ و خوب به شادی می‌افزاید اما دولت بد و بزرگ به شادی نمی‌افزاید (Ott, 2011).

دباناس و شانکار (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با در نظر گرفتن اندازه مختلف کشورها و ابعاد مختلف اقتصاد، فرهنگ و غیره اثر حکمرانی خوب بر شادی را بررسی می‌کنند. آنها نتیجه می‌گیرند که در کشورهای توسعه یافته سیاست‌های مؤثر دولتی برای افزایش شادی بی تأثیر است در حالی که در کشورهای در حال توسعه، اگر چنانچه دولت با مسائل اقتصادی مانند بیکاری، مهاجرت فزاینده و مشکلات بهداشتی مقابله کند خوشبختی نسبتاً افزایش می‌یابد و بدین ترتیب کشورهای فقیر قادر به افزایش شادی در کنار تغییرات انجام شده در حکومت هستند. به خاطر عدم وجود یک طبقه‌بندی واضح برای سیاست‌ها و مقررات، تنها داشتن حکومت خوب نمی‌تواند شادی را به حداکثر برساند. بنابراین بر طبق نظر آنها باستی تعریف حکومتمداری خوب از خصوصیات موجود و رایج خود تغییر کند (Debanath & Shankar, 2014).

هوانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر حکمرانی از جمله کیفیت دموکراتیک و کیفیت فنی بر شادکامی ۱۰۱ کشور در دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

در جهان می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر کیفیت دموکراتیک و کیفیت فنی بر شادکامی کشورهای توسعه یافته به طور قابل توجهی مثبت است در حالی که در کشورهای در حال توسعه ناکارآمد است. همچنین تولید ناخالص سرانه داخلی منجر به افزایش شادکامی قابل توجه در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته می‌شود (Huang, 2016)).

هلیول (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به بررسی اثر کیفیت حکمرانی بر ارزیابی افراد از کیفیت زندگی خودشان می‌پردازد. با مقایسه داده‌های ۱۵۷ کشور در بازه‌ی زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۵ نتیجه می‌گیرد که تغییر در کیفیت حکمرانی منجر به تغییرات قابل توجهی در کیفیت زندگی می‌شود. همچنین عموماً کیفیت ارائه خدمات تا زمانی که به حد کافی برسد نسبت به کیفیت دموکراتیک اثر بهتری بر کیفیت زندگی دارد. با تغییر توسعه و پیشرفت در کشورهایی که دارای کیفیت بالاتری از ارائه خدمات هستند، افزایش کیفیت دموکراتیک تأثیر بهتری بر زندگی افراد دارد (Helliwell et al., 2018).

۳-۲- مطالعات داخلی

مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی نقش نهادها در نوع و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد و توسعه اقتصادی ۲۳ کشور مهم صادر کننده نفت، با استفاده از مدل‌های اقتصاد سنجی پانل طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که رانت نفت در کشورهایی که دارای چارچوب نهادی- ساختاری با کیفیت مناسب هستند، بدل به موهبت و در کشورهایی که دارای چارچوب نهادی- ساختاری با کیفیت پایین هستند، بدل به مصیبت می‌شود (Mehrara, et al., 2010).

بهبودی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی اثرات کیفیت نهادی مانند اثربخشی دولت و کنترل فساد در کنار عامل وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای دارای اقتصاد نفتی را طی دوره زمانی (۲۰۱۰-۱۹۹۶) با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی بررسی می‌کنند. نتایج تجربی پژوهش نشان می‌دهد وفور منابع طبیعی دارای تأثیر منفی و معنادار و نیز کیفیت نهادی دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی این کشورها بوده است. همچنین عدم برخورد مناسب و منطقی با وفور منابع طبیعی و درآمد حاصل از آن به پایین آمدن سطح کیفیت نهادی منجر شده و از این طریق باعث کاهش بیشتر رشد اقتصادی این کشورها می‌شود (Behboudi et al., 2012).

حسابی (۱۳۹۵) در پژوهشی با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی رابطه بین شادکامی و کیفیت محیط زیست بر اساس داده‌های ۱۵۱ کشور طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ می‌پردازد. همچنین تأثیر متغیرهای کنترلی از جمله تورم، بیکاری، تولید ناخالص داخلی سرانه بر شادی را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد بهبود عملکرد محیط زیست و تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر مثبت و معناداری بر شادی دارند. در حالی که تورم و بیکاری دارای اثرات منفی و معنادار بر شادی هستند (Hesabi, 2016).

خرسندی و علی بابایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای اثر بیکاری و تورم بر شادی را به عنوان شاخص رفاه مورد بررسی قرار می‌دهند. این بررسی در دو نمونه از داده‌های پانل انجام می‌شود، نمونه اول شامل ۱۴۶ کشور جهان است که شاخص شادی برای آن‌ها محاسبه شده و نمونه دوم فقط ایران و کشورهای همسایه را شامل می‌شود. نتایج نشان می‌دهد در هر دو نمونه، بیکاری نقش موثرتری در کاهش شادی و رفاه دارد (Khorsandi & Alibabaie, 2016).

ناصری و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثرات تعاملی رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر روی شاخص فساد در کشورهای متکی به رانت منابع طبیعی می‌پردازند. بدین منظور از تجزیه و تحلیل داده‌های پانل برای ۵۰ کشور در فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ استفاده می‌کنند. نتایج آنها نشان می‌دهد که اثر نهایی رانت منابع طبیعی بر روی شاخص فساد در این کشورها به سطح حکمرانی خوب بستگی دارد. به گونه‌ای که برخورداری از سطح مناسب حکمرانی خوب می‌تواند آثار نامطلوب رانت منابع طبیعی بر فساد را در این کشورها کنترل کند (Nasari et al., 2018).

منصف و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی اثر هشت متغیر بر شادی را با استفاده از داده‌های پانل برای ۱۰۰ کشور در بازه ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ در سه سناریو با روش رگرسیون آستانه‌ای پانل مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش، رابطه شادی با درآمد سرانه، سلامت، مصرف، مخارج دولتی و آزاد اقتصادی را مثبت و رابطه شادی با نابرابری درآمد، بیکاری، تورم را منفی نشان می‌دهد. در هر سناریو، تنها یک مقدار آستانه‌ای شناسایی گردیده است. مخارج مصرفی و آزادی اقتصادی روی شادی اثر مثبت دارند که اندازه این اثر با افزایش درآمد سرانه (متغیر آستانه) افزایش یافته است. درآمد سرانه دارای اثر مثبت است ولی با افزایش نابرابری درآمد (متغیر آستانه)، تاثیر درآمد سرانه کاهش یافته است (Monsef et al., 2019).

به طور کلی تحقیقات کمی با مد نظر قرار دادن شادکامی به عنوان یک معیار روانشناختی برای ارزیابی افراد از میزان رفاه صورت پذیرفته است. با توجه به اهمیت رفاه در زمینه توسعه و پیشرفت جوامع، عوامل اثر گذار بر معرف‌های آن به ویژه در حوزه کلان بسیار حائز اهمیت است. وجه تمایز این مطالعه بررسی اثر تعاملی حکمرانی خوب در استفاده از رانت منابع طبیعی بر میزان شادکامی است همچنین بررسی اثر متغیر رانت منابع طبیعی بر شادکامی و اثر شاخص‌های حکمرانی بر شادکامی در گروه کشورهای دارای رانت منابع طبیعی نوآوری دیگر پژوهش است.

۴- روش پژوهش

با توجه به مطالعات هو و ان جی^{۱۰} (۲۰۱۶) که به بررسی رابطه بین شادی و حکمرانی خوب پرداخته‌اند و مطالعه الکسیو و کنراد^{۱۱} (۲۰۱۱) که رابطه منابع طبیعی با رشد اقتصادی و کیفیت نهادی را بررسی کرده و مطالعه احمد اوف^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۳) که رابطه بین حکمرانی خوب و منابع طبیعی را مورد بررسی قرار داده‌اند، متغیرهای مورد نظر پژوهش و الگوی اقتصاد سنجی انتخاب شده‌اند. الگوی مورد برآورد به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) و با استفاده از نرم افزار استتا ۱۴ تصریح می‌شود. در تخمین زن GMM که توسط ارلانو و باند^{۱۳} (۱۹۹۱) مطرح شده است، جهت از میان برداشتن اثرات خاص مربوط به مقاطع (افراد) و تمامی رگرس کننده‌های ثابت نسبت به زمان، اساسا از الگو تفاضل گیری می‌شود. همچنین این کار باعث می‌شود که مشکلات مربوط به درون‌زایی که احتمالا به همبستگی این اثرات انفرادی و رگرس کننده‌های سمت راست منجر می‌شود، برطرف گردند. برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن استفاده از این روش برای برآورد الگو، دو آزمون مطرح است یکی از این آزمون‌ها، آزمون سارگان می‌باشد که برای اثبات شرط اعتبار تشخیص بیش از حد یعنی صحت و اعتبار متغیرهای ابزاری به کار می‌رود. آزمون دوم آزمون خود همبستگی جملات اخلال مرتبه اول AR(1) و مرتبه دوم AR(2) است به این صورت که باید فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی مرتبه اول رد شود و عدم وجود خود

¹⁰ Ho, L. S. & Ng, Y. K.

¹¹ Alexeev & Conrad

¹² Ahmadov

¹³ Arellano & Bound

همبستگی سریالی مرتبه دوم رد نشود. این آزمون نیز برای بررسی اعتبار و صحت متغیرهای ابزاری به کار می‌رود (Baltaji, 2012). به طور خلاصه الگوی فرم کلی پانل پویا به صورت زیر است:

(۱)

$$y_{it} = \alpha_0 + \sum_{j=1}^p \delta_j y_{it-j} + \alpha_i X_{it} + Z_i + \varepsilon_{it} = \alpha_0 + \sum_{j=1}^p \delta_j y_{it-j} + \alpha_i X_{it} + Z_i + \varepsilon_{it}$$

که در آن i دلالت بر تعداد کشورها، t زمان، y_{it} نشان دهنده متغیر وابسته، X_{it} ماتریس K بردار از رگرسورها، α_i بردار ضریب رگرسورها و Z_i اثر ویژه فردی مستقل از زمان که مربوط به هر یک از کشورها و ε_{it} جمله خطاست. الگوی خود رگرسیونی پانل پویا در پژوهش حاضر به صورت زیر است:

(الگوی اول)

$$HAP_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 HAP_{it-1} + \alpha_2 NRM_{it} + \alpha_3 GG_{it} + \alpha_4 RENTS_{it} + \alpha_5 HDI_{it} + \alpha_6 INF_{it} + \alpha_7 UNEMP_{it} + Z_i + \varepsilon_{it}$$

(۲)

HAP : متغیر وابسته شادکامی است که داده‌ها از گزارش شادکامی جهانی استخراج شده است. HAP_{it-1} : متغیر وابسته شادکامی است که با یک دوره تأخیر وارد معادله شده است

و بیانگر شادکامی دوره قبل است. NRM ^{۱۴}: اثر تعاملی شاخص حکمرانی خوب و رانت منابع طبیعی (حاصل ضرب رانت منابع طبیعی در حکمرانی خوب).

GG : حکمرانی خوب شامل شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد است که به صورت میانگین حسابی شش شاخص استفاده شده است. داده‌های شاخص حکمرانی از بانک جهانی جمع آوری شده است.

$RENTS$: مجموع رانت نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، منابع معدنی و جنگل که به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است.

¹⁴ Natural resource management

HDI: شاخص توسعه انسانی به جای تمرکز بر ابزار به اهداف پیشرفت و توسعه تأکید دارد. هدف واقعی توسعه باید خلق محیطی برای افراد باشد که در آن بتوانند از زندگی طولانی، سالم و خلاق لذت ببرند. توسعه انسانی به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب افراد و بهبود رفاه آنهاست. مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی زندگی طولانی و سالم، دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانه هستند که بسیار اثر گذار بر شادکامی می‌باشند. شاخص توسعه انسانی ارقامی از صفر تا یک را در بر می‌گیرد که هرچه این رقم برای یک کشور بیشتر باشد بر توسعه یافتگی بیشتر آن کشور در حوزه انسانی دلالت دارد. داده‌های مربوط به شاخص توسعه انسانی از گزارش‌های سالانه برنامه توسعه سازمان ملل و سایت این سازمان استخراج شده است.

INF: در این پژوهش از شاخص تورم، برحسب قیمت مصرف کننده و به صورت سالانه که توسط بانک جهانی منتشر شده است استفاده می‌شود. تورم نیز از جمله متغیرهای کلان اقتصادی است که تغییرات آن می‌تواند بر سطح رفاه جامعه اثرگذار باشد.

UNEMP: داده‌های نرخ بیکاری کشورهای مورد مطالعه این پژوهش بر اساس برآورد مدل ILO^{۱۵} از بانک جهانی استخراج شده است. همچنین با توجه به امکان بروز هم خطی بین متغیرهای بیکاری و تورم در الگوی اول، الگوهای دوم و سوم را با در نظر گرفتن فقط یکی از این متغیرها تصریح می‌کنیم:

الگوی دوم (بدون متغیر بیکاری):

$$HAP_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 HAP_{it-1} + \alpha_2 NRM_{it} + \alpha_3 GG_{it} + \alpha_4 RENTS_{it} + \alpha_5 INF_{it} + \alpha_6 HDI_{it} + z_i + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

الگوی سوم (بدون متغیر تورم):

(۴)

$$HAP_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 HAP_{it-1} + \alpha_2 NRM_{it} + \alpha_3 GG_{it} + \alpha_4 RENTS_{it} + \alpha_5 UNEMP + \alpha_6 HDI_{it} + z_i + \varepsilon_{it}$$

¹⁶ modeled ILO estimate

به منظور جلوگیری از کاذب بودن رگرسیون برآوردی، مانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل‌ها از طریق آزمون ریشه واحد بررسی می‌شود. لوین، لین و چو^{۱۶} نشان دادند که در داده‌های تابلویی استفاده از آزمون ریشه واحد برای ترکیب داده‌ها، دارای قدرت بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه است. در این تحقیق از روش لوین، لین و چو برای بررسی مانایی متغیرها استفاده شده که نتایج آن به شرح مندرج در جدول ۱ است.

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای پژوهش
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 1. Unit Root Test Results of the research variables

Source: Research calculations

متغیر	احتمال	آماره	وضعیت ایستایی
HAP	۰	-۱۲/۱۱۰۹	مانا
NRM	۰	-۴/۹۵۷۳۰	مانا
GG	۰	-۴/۵۰۲۱۹	مانا
RENTS	۰	-۴/۲۰۲۲	مانا
HDI	۰	-۱۶/۰۱۴۷۵	مانا
INF	۰	-۵/۷۸۶۰۲	مانا
UNEMP	۰	-۱۸/۹۲۱۵	مانا

در این آزمون روند بررسی مانایی به این صورت است که با رد فرضیه H_0 مبنی بر وجود ریشه واحد، مانایی پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون مانایی نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مورد استفاده مانا هستند.

¹⁷ Levin, Lin & Chu

نتایج حاصل از برآورد الگوی اول با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته به صورت خلاصه در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از الگوی اول
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 2. Results of the first model

Source: Research calculations

متغیر	ضرایب	Z آماره	Prob
متغیر وابسته با وقفه	۰/۸۲۹۶	۵۵/۸۹	۰
NRM	-۰/۰۰۵۰	-۵/۰۹	۰
GG	۰/۳۶۹۴	۱۰/۰۰	۰
RENTS	-۰/۰۰۲۹	-۳/۷۹	۰
HDI	۰/۱۹۶۶	۲/۴۸	۰/۰۱۳
INF	-۰/۰۰۱۲	-۲/۷۲	۰/۰۰۶
UNEMP	-۰/۰۱۱۴	-۴/۲۹	۰
Sargan Test		۵۴/۸۹	
Prob		۱/۰۰	

آماره آزمون سارگان در این رگرسیون از توزیع χ^2 با درجه آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است. در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال است. مقدار آماره‌ی آزمون سارگان بزرگتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد، بنابراین متغیرهای ابزاری مورد استفاده در جهت تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردار هستند.

متغیر وابسته با وقفه، تأثیر مثبت و معناداری بر روی شادکامی دارد و با یک واحد تغییر در متغیر وابسته با وقفه، به میزان $0/82$ واحد شادکامی در همان جهت تغییر می‌کند. معنادار بودن این متغیر حکایت از ماهیت پویای وابسته داشته و دلالت بر ایستایی و عدم وجود نوسانات شدید در این متغیر دارد (Dizaji, 2016).

اثر حکمرانی خوب بر شادکامی مثبت و معنادار است به صورتی که یک واحد تغییر در حکمرانی خوب به میزان $0/36$ واحد شادکامی را در همان جهت تغییر می‌دهد. با بهبود شاخص‌های نهادی رشد اقتصادی در کشورها بهبود می‌یابد و با افزایش درآمد و رفاه، شادکامی افزایش خواهد یافت.

رانت منابع طبیعی تأثیر منفی و معنادار بر شادکامی دارد به صورتی که با افزایش یک واحد از رانت منابع طبیعی، شادکامی به میزان $0/029$ واحد کاهش می‌یابد. با افزایش منابع طبیعی فعالیت‌های رانت‌جویانه کشورها افزایش یافته و به همین دلیل باعث کاهش کارایی اقتصاد، کاهش فعالیت‌های مولد و کندی رشد اقتصاد می‌شود که کاهش شادکامی را به همراه دارد.

اثر تعاملی شاخص حکمرانی خوب و رانت منابع طبیعی تأثیر منفی و معناداری بر روی شادکامی دارد به صورتی که یک واحد افزایش در اثر تعاملی حکمرانی خوب و رانت منابع طبیعی باعث کاهش $0/005$ واحد شادکامی می‌شود. کشورهای دارای درآمد منابع طبیعی از طریق ایجاد رانت برای گروه‌های ذی‌نفوذ، زمینه تضعیف نهادها را ایجاد می‌کند. همچنین در کشورهای دارای رانت منابع طبیعی شاخص‌های حکمرانی خوب ضعیف است و به دنبال آن رشد اقتصادی کاهش یافته و باعث کاهش شادکامی می‌شود.

تورم و بیکاری نیز تأثیر منفی و معناداری بر شادکامی دارند به صورتی که یک واحد تغییر در بیکاری $0/014$ واحد شادکامی و یک واحد تغییر در تورم $0/012$ واحد شادکامی را کاهش می‌دهند.

شاخص توسعه انسانی نیز مطابق انتظار اثر مثبت و معناداری بر شادی و رفاه دارد. افزایش یک واحد در شاخص توسعه انسانی به میزان $2/48$ واحد شادکامی را افزایش می‌دهد.

در ادامه تخمین های خود را برای الگوی دوم (بدون در نظر گرفتن اثر متغیر بیکاری) و همچنین برای الگوی سوم (بدون اثر متغیر تورم) بررسی می‌کنیم. نتایج در جدول ۳ و جدول ۴ گنجانده شده‌اند.

جدول ۳. نتایج حاصل از الگوی دوم
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 3. Results of the second model

Source: Research calculations

متغیر	ضرایب	آماره Z	Prob
متغیر وابسته با وقفه	۰/۸۳۱۶	۲۷۹/۶۲	۰
NRM	-۰/۰۰۴۹	-۸/۴۹	۰
GG	۰/۲۵۴۹	۱۸/۱۴	۰
RENTS	-۰/۰۰۲۰	-۴/۱۹	۰
HDI	۰/۲۱۶۱	۴/۵۹	۰
INF	-۰/۰۰۱۲	-۶/۴۵	۰
Sargan Test		۵۵/۷۵	
Prob		۱/۰۰	

نتایج جدول ۳ و جدول ۴ برآورد اولیه ما در جدول ۲ را تأیید می‌کنند. تورم و بیکاری دارای آثار منفی و معنادار بر شاخص شادکامی هستند. ضریب شاخص توسعه انسانی مثبت و معنادار بوده و در نتیجه کیفیت مطلوب شاخص توسعه انسانی موجب بهبود شادکامی می‌شود. مطابق انتظار رانت منابع طبیعی دارای تأثیر منفی و معنادار و حکمرانی خوب دارای تأثیر مثبت و معنادار بر روی شاخص شادکامی می‌باشند. علامت منفی ضریب تعاملی رانت منابع طبیعی و حکمرانی خوب بر روی شاخص شادکامی اشاره بر آن دارد که

اتکا بر رانتهای منابع طبیعی منجر به تضعیف آثار مثبت حکمرانی خوب بر روی شادکامی می‌گردد.

جدول ۴. نتایج حاصل از الگوی سوم
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 4. Results of the third model

Source: Research calculations

متغیر	ضرایب	Z آماره	Prob
متغیر وابسته با وقفه	۰/۷۷۲۰	۸۸/۳۵	۰
NRM	-۰/۰۰۵۴	-۸/۹۳	۰
GG	۰/۲۳۳۸	۲۲/۶۳	۰
RENTS	-۰/۰۰۱۶	-۳/۵۱	۰
HDI	۰/۵۸۸۶	۱۱/۷۸	۰
UNEMP	-۰/۰۰۵۰	-۳/۴۷	۰/۰۰۱
Sargan Test		۶۰/۴۰	
Prob		۱/۰۰	

جدول ۵. نتایج آزمون آرلانو و باند برای تعیین مرتبه خود همبستگی جملات اختلال الگوی اول
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 5. Arellano and Bond test results for determining the order of autocorrelation in first-order error terms

Source: Research calculations

مرتبه خود همبستگی	Z مقدار آماره آزمون	Prob
AR(1)	-۴/۹۹۹۶	۰
AR(2)	۰/۱۰۷۷	۰/۹۱۴۲

جدول ۶. نتایج آزمون آرلانو و باند برای تعیین مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال الگوی دوم
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 6. Arellano and Bond test results for determining the order of autocorrelation in second-order error terms

Source: Research calculations

مرتبه خود همبستگی	Z مقدار آماره آزمون	Prob
AR(1)	-۴/۹۰۶۷	۰
AR(2)	۰/۰۷۰۴	۰/۹۴۳۸

جدول ۷. نتایج آزمون آرلانو و باند برای تعیین مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال الگوی سوم
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 7. Arellano and Bond test results for determining the order of autocorrelation in third-order error terms

Source: Research calculations

مرتبه خود همبستگی	Z مقدار آماره آزمون	Prob
AR(1)	-۵/۰۵۹۱	۰
AR(2)	۰/۱۳۰۶	۰/۸۹۶۰

آزمون خود همبستگی پسماندها، آماره‌های AR(1) و AR(2) را برای نشان دادن همبستگی سریالی در رابطه با تفاضل مرتبه اول پسماندها آزمایش می‌کند که برای الگوهای اول و دوم و سوم به ترتیب در جدول ۵ و جدول ۶ و جدول ۷ گزارش شده‌اند. نتایج آزمون برای خودهمبستگی مرتبه اول AR(1) نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول در هر سه الگوی مورد بررسی رد می‌شود، همچنین برای خودهمبستگی مرتبه دوم AR(2) فرضیه صفر رد نمی‌شود. لذا نتایج این آزمون نشان می‌دهد که متغیرهای ابزاری مورد استفاده مستقل از عبارت خطا بوده است و برای تخمین مناسب می‌باشند.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

در این مطالعه اثر حکمرانی خوب و رانت منابع طبیعی بر شادکامی طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۸ برای کشورهای دارای رانت منابع طبیعی بالای ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته بررسی شد.

کشورهای دارای منابع طبیعی، درآمد فراوانی از فروش منابع خود به دست می‌آورند، با وجود این درآمدها، انتظار می‌رود که کشورهای دارای منابع طبیعی، رشد و توسعه اقتصادی و در ادامه رفاه و شادکامی بالایی را تجربه کنند اما از سطح پایین رفاه و شادکامی برخوردارند علت این است که منابع طبیعی و عدم استفاده مناسب از درآمد آن باعث کاهش کیفیت حکمرانی می‌شود از طرف دیگر ضعف شاخص‌های نهادی بر رشد و شادکامی اثر سوء می‌گذارد و نعمت حاصل از منابع را به نفرین منابع تبدیل می‌کند. عدم وجود چهارچوب‌های ساختاری- نهادی در اکثر کشورهای مورد مطالعه، افزایش منابع طبیعی و سوء استفاده از رانت منابع توسط گروه‌های مختلف رانت‌جو با کاهش برابری، رفاه و شادکامی همراه است. افزایش بیکاری و تورم و به تبع آن کاهش قدرت خرید باعث کاهش شادکامی می‌شوند. همچنین بهبود شاخص توسعه انسانی که به معنی افزایش سلامت، میزان تحصیلات، درآمد و استانداردهای زندگی است بر شادکامی تأثیر مثبت دارد.

با توجه به اثر منفی رانت منابع طبیعی بر شادکامی اقداماتی از قبیل مدیریت منابع طبیعی، بکارگیری ابزارهایی چون صندوق ذخیره ارزی، استفاده از درآمد منابع طبیعی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی و کاهش سهم درآمد منابع در بودجه جاری دولت می‌تواند فعالیت‌های رانت‌جویانه را کاهش داده و از بروز آثار منفی آن بر روی شادکامی جلوگیری کند.

همچنین حکمرانی خوب با بهبود شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثر بخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌تواند باعث بهبود شادکامی شود. با توجه به اجزاء شاخص حکمرانی خوب که در تحقیق حاضر مد نظر بوده است می‌توان توصیه‌های زیر را ارائه نمود:

با بهبود شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی دولت‌ها اجازه مشارکت به نهادهای مدنی و احزاب داده، قدرت شهروندان در پیگیری مطالبات خود افزایش یافته و عملکرد دولتمردان توسط رسانه‌ها نقد می‌شود. بهبود شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی منجر



به تخصیص بهینه درآمد حاصل از منابع طبیعی و توزیع امکانات رفاهی از جمله امکانات آموزشی و بهداشتی می‌شود (Dizaji et al, 2016).

هر چه ثبات سیاسی یک جامعه بیشتر شود امکان براندازی قدرت حاکم با ابزارهایی مانند کودتا و شورش و جنگ داخلی کمتر شده و قدرت دولت برای برنامه ریزی و استفاده مطلوب از وفور منابع طبیعی در راستای بهبود رفاه شهروندان افزایش می‌دهد. بهبود کارایی دولت امکان دستیابی همگان به خدمات با کیفیت از جمله آموزش و بهداشت و ایجاد محیطی مطمئن برای توسعه مردم محور و پایدار و در نهایت بهبود رفاه فراهم خواهد کرد. همچنین دولت با اجرای سیاست‌هایی از جمله توزیع مجدد درآمد از طریق مالیات می‌تواند درآمد افراد فقیر و آسیب پذیر را افزایش دهد که با رفاه و شادکامی افراد جامعه همراه است.

تعدد قوانین و مقررات، تغییرات مداوم، عدم پایداری به اجرای آن‌ها، وضع محدودیت‌های غیر اصولی بر صادرات و واردات، ایجاد مانع در تاسیس یک بنگاه اقتصادی جدید به عنوان عواملی باعث کاهش کارایی عوامل مولد اقتصادی می‌شود که می‌توان با افزایش کیفیت قوانین و وضع مقررات شفاف زمینه رشد اقتصادی و رفاه را فراهم نمود. حاکمیت قانون تنها به بررسی سیستم قضایی کشور و مقرراتی که توسط قانون‌گذاران وضع می‌شود، نمی‌پردازد بلکه تضمینی برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون است، که می‌تواند به افزایش آرامش، رفاه ذهنی و شادکامی می‌انجامد.

بهبود شاخص کنترل فساد امکان پرداخت رشوه به دولت و دریافت رانت توسط صاحبان قدرت را کاهش می‌دهد و با تخصیص درآمد منابع طبیعی به فعالیت‌های مولد اقتصادی و افزایش زیر ساخت‌ها موجب افزایش رفاه و شادکامی می‌شوند.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The authors received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

- Ahmadov, I., Mammadov, J., & Aslanli, K. (2013). Assessment of Institutional Quality in Resource-Rich Caspian Basin Countries. Available at SSRN 2274813: <https://ssrn.com/abstract=2274813> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2274813>.
- Alexeev, M. & R. Conrad. (2011). The Natural Resource Curse and Economic Transition. *Economic Systems*. 35(4): 445–461.
- Argyle, M. (2005). *Happiness Psychology*. (M. Gohari, H. Taherneshatdost, F. Bahrami, H. Palahang, & M. Kalantari, Trans.) Isfahan, ISF: Jahad University (Original work published 2001) (in Persian).
- Aristotle, (1979). *Aristotle's politics* (H. Enayat Trans) Tehran. Teh: Amir Kabir, Pocket Books (Original work published 322 - 384 BC) (in Persian).
- Auty, R. M. (2001). *Resource abundance and economic development*. Oxford University Press, Oxford and New York.
- Behboudi, D., Asgharpour, H., & Mohammadlou, N. (2012). The Role of Institutional Quality on Relationship between Resource Abundance and Economic Growth in Oil Economies. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 20 (62), 95-116 (in Persian). URL: <http://qjerp.ir/article-1-390-en.html>
- Bravo-Ortega, C. & J. De Gregorio (2005), The relative richness of the poor? Natural resources, human capital and economic growth, The World Bank, Policy Research Working Paper Series No. 3484.
- Bulte, E. H., Damania, R. & Deacon, R.T. (2003). Resource Abundance, Poverty and Development *Departmental Working Papers*, Department of Economics. UCSB, Uc Santa. Available at: <https://escholarship.org/uc/item/66z854gv>.
- Busse, M. & Groning, S. (2011). The Resource Curse Revisited: Governance and Natural Resources. *Springer* 154:1-20, Available at: <https://www.jstor.org/stable/23326390>.
- Carbonnier, G. Wagner, N., & Brugger, F. (2011). Oil, Gas and Minerals: The Impact of Resource-Dependence and Governance on Sustainable Development. The Centre on Conflict, Development and Peace building. CCDP Working Paper. (Geneva: The Graduate Institute). Available at: <http://www.graduateinstitute.ch/ccdp>.

- Clark, A., Frijters, P. & Shields, M. A. (2008). Relative Income, Happiness, and Utility: An Explanation For The Easterlin Paradox And Other Puzzles". *Journal of Economic Literature*, 46(1), 95-144.
- Debanath, R.M. & Shankar, R. (2014). Does good governance enhance Happiness: a cross nation study. *Social Indicators Research*, 116: 235-253.
- Dehqani, H., Akbarzadeh, F., Khoshfar, Gh. R., & Rabbani, R. (2011). A Study of The Impacts of Economic Capital on the Youth Happiness. *Quarterly Journal Strategy for Cultural*, 4(12-13), 159-182 (in Persian).
- Di Tella, R. & Mac Culloch, R.J. (2006). Some Uses of Happiness Data in Economics. *Journal of Economic Perspectives*. 20(1): 25-46.
- Dizaji, S.F., (2012), Exports, government size and economic growth (evidence from Iran as a developing oil-export based economy), International institute of Social Studies of Erasmus University Rotterdam, working paper, No. 535.
- Dizaji, S.F. (2014). The effects of oil shocks on government expenditures and government revenues nexus (with an application to Iran's sanctions), *Economic Modelling*, 40: 299-313.
- Dizaji, S.F. (2016). Oil rents, political institutions, and income inequality in Iran. In: Farzanegan, M.R., Alaedini, P. (Eds). *Economic Welfare and Income Inequality in Iran: Developments since the Revolution*. Palgrave Macmillan/Springer Nature: 85-109.
- Dizaji, S.F. (2019). The potential impact of oil sanctions on military spending and democracy in the Middle East, International institute of Social Studies of Erasmus University Rotterdam, working paper, No. 644.
- Dizaji, S.F., Farzanegan, M.R., Naghavi, A. (2016). Political institutions and government spending behavior: theory and evidence from Iran. *International Tax and Public Finance*, 23, 522-549.
- Easterlin, R. A. (1974). Does economic growth improve the human lot? Some empirical evidence. *Nations and households in economic growth*. Academic Press, New York, 89-125.
- Easterlin, R. (1995). Will Raising the Income of All Increase the Happiness of All? *Journal of Economic Behavior and Organization*. 27(1), 35-48.
- Easterlin, R.A. (2003). Explaining happiness, *Proceedings of the National Academy of Sciences*. 100 (19): 11176-11183.
- Eddington, N. & Shuman, R. (2004). Subjective well-being. Presented by Continuity Psychology Education. *The Journal of Personality & Social Psychology*, 34(8), 41-57.

- Ebrahimi, M., & Salarian, M. (2009). An investigation of curse phenomenon of natural resources and oil-exporting countries and the influence of presence in OPEC on the economic growth of its member countries. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 6(1), 77-100 (in Persian).
- Eskandari, J. (2010). *Comparison of the Effects of Unemployment and Inflation on Happiness* (Master's thesis), Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University. (in Persian).
- Eysenck, M. W. (1996). *Happiness: Facts and Myths*. (M. Firoozbakht & Kh. Beygi Trans) Tehran, Teh: Badr, (Original work published 1990) (in Persian).
- Headey, B. & Wearing, A. (1992). *Understanding happiness: A theory of subjective well-being*. Melbourne, Australia: Longman Cheshire.
- Helliwell, J. & Huang, H. (2008). How's your government? International evidence linking good government and well-being. *British Journal of Political Science*, Cambridge University Press, 38(4): 595–619.
- Helliwell, J.F., Huang, H. Grover, Sh. & Wang, Sh. (2018). Empirical linkages between good governance and national well-being. *Journal of Comparative Economics*, 46 (4): 1332–1346.
- Hesabi, H., (2016). *Investigating the Effect of Environmental Quality on Happiness* (Master's thesis), Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University (in Persian).
- Ho, L.S., & Ng., Y.K. (2016). Happiness and government: The role of public spending and public governance. (CPPS Working Papers Series no.197). Retrieved from Lingnan University website: <http://commons.ln.edu.hk/cppswp/97>.
- Huang, C. J. (2016). The Impact of Governance on Happiness: Evidence from Quantile Regressions. World Academy of Science, Engineering and Technology, *International Journal of Economics and Management Engineering*, 10 (7).
- Kaufmann, D. & Kraay, A. (2007). Governance Indicators: Where Are We, Where Should We Be Going? Global governance Group, Policy Research Working Papers, No 4370, Washington DC: World Bank.
- Kesebir, P., & Diener. E.D. (2008). In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions. *Perspectives on Psychological Science*. London: Allen Lane. 3.(2): 117-125.

- Khorsandi, M., & Alibabaie, N. (2016). Which is Worse, Unemployment or Inflation: The Comparison of the Effect of Unemployment and Inflation on Happiness. *Journal of Economic Research*, 16(63), 1-24 (in Persian).
- Kolstad, I., & Wiig, A. (2009). It's the rents, stupid! The political economy of the resource curse. *Energy Policy*. 37(12): 5317-5325.
- Koromi Nouri, R., Mocrrie, A., Mohammadifar, M., & Yazdani, E. (2002) The Study of Happiness & Well Being and The Role of Different Factors for Them Among Students of Tehran University, *Journal of Psychology and Education*, 32(1) 3-41 (in Persian).
- Leamer, E., Maul, H., Rodrigues, S., & Schott, P. (1999). Does natural resource abundance increase Latin American income inequality? *Journal of Development Economics*. 159: 3-42.
- komijani, A., & Salatin, P. (2009) . Effects of Good Governance on Economic Growth in the Selected Countries of OPEC and OECD. *Quarterly Journal of Economical Modeling*, 2(6), 1-24 (in Persian).
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110: 681-712.
- May, D. (2007). Determinants of Well-Being. Newfoundland and Labrador Statistics Agency. www.budgaultonphotography.com.
- Mehrara, M., Abrishami, H., & Zamanzadeh Nasr Abadi, H. (2010). Cursed by resources or institutions? The Case Study: Oil exporting countries. *Economic Research Review*, 10(3), 205-223 (in Persian).
- Mehrara, M. & Asadian, Z. (2009). The effect of good governance on direct foreign investment in countries with average revenues, *International Economics Studies*, 20(35), 1-20 (in Persian).
- Moeinifard, M., & Mehrara, M. (2015). Effect of Abundance of Natural Resources on Governance Quality in Developing Countries. *Journal of Economic Development Policy*, 3(4), 9-32 (in Persian).
- Monsef, A., Mozghan Moalemi, M., Biyabani, J., Nejati, M., & Taherizadeh, J. (2019). Investigating Economic Factors Affecting Happiness in Selected Countries: Panel Threshold Regression Approach. *Quality journal of: Economic Growth and Development Research*, 9(36), 15-24 (in Persian).
- Naseri, A. R, Dizaji, S.F., & Poursalimi, H. R. (2018). Control of natural resource rents efficiency on corruption by good governance indexes. 13(55), 107-132 (in Persian).

- Izadkhasti, H., dadgar, Y., & beygi, P. (2022). Investigating the Simultaneous Impact of Institutional Quality and Tax Evasion on the Performance of the Tax System in Selected Mena Countries. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 18(4), 125-158. doi: 10.22055/jqe.2021.31807.2181 [In Persian]
- Ogundiya, I.S. (2010). Democracy and Good Governance: Nigeria's Dilemma. *African Journal of Political Science and International Relations*. 4(6), 201-208.
- Ott, J. C. (2005). Level and equality of happiness in nations: Does greater happiness of a greater number imply greater inequality in happiness? *Journal of Happiness Studies*, 6(4).
- Ott, J. C. (2010). Good governance and happiness in nation: Technical quality precedes democracy and quality beats size. *Journal of Happiness Studies*, 11(3), 353-368.
- Ott, J. C. (2011). Government and Happiness in 130 Nations: Good Governance Fosters Higher Level and More Equality of Happiness. *Social Indicators Research: An International and Interdisciplinary Journal for Quality-of-Life Measurement*. 102 (1), 3-22.
- Rousseau, J. B. G. (2009). *Essays on The Economics of Happiness*. (Ph.D. Dissertation) University of Michigan, Michigan, The United States.
- Sachs, J. D. & Warner, A. M. (1995). *Natural resource abundance and economic growth*. Development Discussion. Paper No. 517a. Harvard Institute for International Development, Harvard University.
- Sachs, J.D., & Warner, A.M. (2001). Natural resources and economic development: the curse of natural resources. *European Economic Review*. 45(4-6): 827-838.
- Suh, M. & Oishi, Sh. (2002). Subjective Well-Bing Across Culture. *Online reading in psychology and culture*. 10(1). <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1076>.
- Toorani galosalar, N. (2017). *The Interaction of Good Governance and Abundance Natural Resources on Total Factor Productivity in Selected Countries of Petroleum Exporting and developed countries the period (1996-2014)*. (Master's thesis), Faculty of Social Sciences and Economic, Alzahra University (in Persian).
- Torvik, R. (2009). Why do some resource- abundant countries succeed while others do not? *Oxford Review of Economic Policy*, 25(2), 241-256.